

تغییر تقسیمات استانی جنوب کشور،

ضرورت حتمی توسعه سواحل

محمد مونسان (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

عدم توسعه یافتگی استانها و شهرهای ساحلی جنوب کشور در چند دهه اخیر نشان از یک ضرورت فراموش شده دارد به نام «ضرورت بازنگری در تقسیمات استانی جنوب کشور». معمولا در استانهایی که مساحت زیادی دارند، مسئولین استانی تمرکز کافی در بخشهای مختلف آن بطور یکسان ندارند و از طرف دیگر بودجه اندک این استانها نیز باعث عقب افتادگی بیشتر آنها می شود. تجربه موفق تقسیم استانهای بزرگ یا پرجمعیت کشور به استانهای کوچکتر، مفید بودن این کار را به اثبات رسانیده است مانند تقسیم استان خراسان به سه استان و همچنین تشکیل استانهای قم، قزوین و البرز. با توجه به مشکلات کم آبی در کشور در سالهای اخیر، تقریبا همه مسئولین و کارشناسان به ضرورت انتقال جمعیت کشور به سمت سواحل، اتفاق نظر دارند ولی یکی از موانع بزرگ، همین تقسیمات نامناسب کشوری در سواحل جنوب است. باید تقسیمات استانی را طوری انجام داد که سهم هر استان از سواحل جنوب کشور بیش از ۴۰۰ کیلومتر نباشد تا بتوان تمرکز و رسیدگی مناسبی را از طرف مسئولین استانی انتظار داشت. به نظر میرسد حداقل چهار تغییر زیر در تقسیمات استانی سواحل جنوبی بسیار ضروری و واجب است که محوریت آن کوچکتر کردن استانهای هرمزگان و سیستان و بلوچستان است:



۱- تشکیل استان جزایر:

حدود ۳۰ جزیره ایرانی خلیج فارس در حوزه سیاسی سه استان بوشهر، خوزستان و هرمزگان قرار دارند که بیش از نیمی از آنها غیرمسکونی هستند. جزایری هم که مسکونی هستند اغلب دارای وضعیت معیشتی و اقتصادی بسیار نامناسب هستند چراکه از پتانسیل‌های این جزایر جهت رونق اقتصادی استفاده نمی‌شود نظیر جذابیت‌های تفریحی و توریستی (با توجه به طبیعت زیبای این جزایر و همچنین آثار تاریخی مانند جزیره هرمز)، سوخت رسانی به کشتی‌ها (با توجه به قرارگیری در مسیر تردد کشتی‌های تجاری عبوری از خلیج فارس و کمترین فاصله تا این خطوط کشتیرانی)، استقرار صنعت اوراق کشتی (با توجه به معضلات زیست محیطی کمتر در جزایر کوچک)، مناطق آزاد اقتصادی (برای استقرار کارخانجات و صنایعی که نیازمند قطعات وارداتی بدون گمرک یا تردد متخصصین خارجی بدون ویزا هستند)، معادن و منابع طبیعی، شیلات (برای فرآوری سریعتر و نزدیکتر محصولات شیلاتی در کارخانجات مستقر در جزایر) و غیره. حتی برخی جزایر دارای برق و امکانات زیرساختی هم نیستند. تنها جزایری که هم اکنون از رونق اقتصادی نسبی و جمعیت مناسبی برخوردار هستند جزایر قشم و کیش هستند. یکی از علل عدم تمرکز بر جزایر ایرانی اینست که این جزایر جزء استان‌هایی هستند که خود دارای وسعت بسیار زیاد و بودجه کم هستند لذا طبیعتاً توجه به جزایر در اولویت‌های آخر این استانها قرار می‌گیرد. مثلاً استان هرمزگان به تنهایی حدود ۸۵۰ کیلومتر خط ساحلی دارد که با احتساب جزایر، به تنهایی حدود ۵۰ درصد از سواحل جنوب کشور را در اختیار دارد که شامل ۱۴ جزیره مهم ایران در خلیج فارس است. آیا این معقول و منطقی است؟ برای فعال‌سازی «اقتصاد دریا محور»، اولین و مهمترین گام، تغییر تقسیم‌بندی استان‌های جنوبی است. تشکیل یک استان مستقل که مدیریت ۳۰ جزیره ایرانی در خلیج فارس را بر عهده بگیرد یک گام مهم در ساماندهی جزایر است. **این استان میتواند «استان جزایر» نام گیرد و مرکز آن در قشم یا کیش باشد.** اگر از قابلیت‌های جزایر بخوبی استفاده شود به تنهایی می‌توان بیش از کل بودجه کشور از همین جزایر درآمد داشت. دو مقایسه در اینجا می‌تواند مفید باشد: کل کشور سنگاپور یک جزیره به مساحت حدود ۷۰۰ کیلومترمربع است در حالیکه مساحت جزیره قشم (به عنوان بزرگترین جزیره ایرانی خلیج فارس) به تنهایی برابر ۱۵۰۰ کیلومتر مربع است یعنی بیش از دو برابر مساحت کشور سنگاپور! این در حالیست که بودجه سالیانه کشور سنگاپور ۴۳ میلیارد دلار و کل بودجه ایران ۸۰ میلیارد دلار (با احتساب بیش از نیمی از این بودجه از فروش نفت و گاز) است!! یعنی یک جزیره کوچک که مساحت آن کمتر از نیمی از مساحت جزیره قشم است معادل نیمی از کل بودجه ایران یا برابر کل درآمد غیرنفتی ایران در سال درآمد دارد!! یا در یک مثال دیگر، هنگ کنگ یک جزیره به مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع است با بودجه سالیانه ۶۰ میلیارد دلار! این اعداد و ارقام بخوبی نشان می‌دهند که اگر ما فقط از ظرفیت‌های جزایر ایران بخوبی استفاده کنیم معادل چند برابر درآمدهای نفتی می‌توانیم درآمد کسب کنیم. جزیره قشم به تنهایی بزرگتر از ۲۲ کشور جهان است.

۲- تشکیل استان مکران شرقی

استان سیستان و بلوچستان یک استان فقیر و محروم با بودجه سالیانه اندک است در حالیکه دومین استان وسیع کشور با مساحت ۱۸۰ هزار مترمربع (۱۱ درصد مساحت ایران) می‌باشد (در مقایسه با مساحت ۱۳ هزارمترمربعی تهران، ۱۱ هزار مترمربعی قم، ۵ هزارمترمربعی البرز و ۱۵ هزارمترمربعی قزوین). این استان دارای ۳۰۰ کیلومتر ساحل بوده و فاصله شمال تا جنوب استان ۹۰۰

کیلومتر است. توجه شود که در سال ۹۷ بودجه استان سیستان و بلوچستان ۲/۵ هزار میلیارد تومان، البرز ۱/۴ هزار میلیارد تومان و قزوین ۱ هزار میلیارد تومان بوده است که هیچ تناسبی با وسعت استانها ندارد. لذا کوچکتر شدن استان سیستان و بلوچستان به دو یا سه استان باعث می‌شود این استان دو یا سه بودجه مجزا دریافت کند. پیشنهاد میشود قسمت جنوبی این استان به یک استان مجزا (مکران شرقی) با مرکزیت چابهار و طول سواحل ۳۰۰ کیلومتر تبدیل شود.

۳- تشکیل استان مکران غربی

همانطور که بیان شد وسعت زیاد طول سواحل و جزایر متعدد استان هرمزگان یکی از عقب افتادگی سواحل کشور است. قسمت شرقی استان هرمزگان به یک استان مستقل به نام «استان مکران غربی» با مرکزیت جاسک تبدیل گردد با طول ساحل حدود ۳۰۰ کیلومتر. بدین ترتیب طول سواحل استان هرمزگان نیز با جدا شدن این قسمت و جدا شدن جزایر، از ۸۵۰ کیلومتر به حدود ۴۰۰ کیلومتر خواهد رسید. قطعاً این تقسیم بندی بر تمرکز بیشتر استانداران و فرمانداران بر توسعه سواحل مکران و فقرزدایی از این مناطق بسیار موثر خواهد بود و شرایط را برای اسکان ۵-۸ میلیون نفر در کوتاه مدت (۵-۷ ساله) و ۱۵-۲۰ میلیون نفر در میان مدت (۸-۱۵ ساله) در سواحل مکران فراهم می‌آورد.

۴- اتصال استان فارس به دریا

مطابق مصوبه دولت یازدهم مقرر گردیده بود که استان فارس نیز با واگذاری چند روستا از استان هرمزگان، تنها به اندازه ۶ کیلومتر به دریا متصل گردد. متأسفانه همین ۶ کیلومتر هم بدلیل اعتراضات در استان هرمزگان ناشی برخی تعصبات بیجای استانی هنوز عملی نشده است در حالیکه باید حداقل ۱۰۰ کیلومتر از استان هرمزگان و بوشهر کاسته و به استان فارس افزوده می‌شد. لازمه چنین تغییراتی این است که ابتدا خود مردم محلی از منافع این تقسیمات مطلع شوند و متوجه باشند که با تقسیمات استانی فعلی، همچنان در فقر و محرومیت خواهند ماند. استان فارس یکی از استانهای توریست‌پذیر کشور با درآمد استانی بالا است که این الحاق می‌تواند سهم آنها را از بودجه استان فارس ارتقاء داده و محرومیت‌زدایی از این مناطق را به دنبال داشته باشد.